



تبلور «عقلانیت کرامت محور» در کنشگری مذهبی؛ مطالعه تطبیقی آرای پیتربلاو و شهید مطهری در بستر کلان‌رویداد اربعین حسینی

دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۱۱ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۲۳ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۴

کریم خان محمدی^۱ سید محمد علی مرتضوی شاهرودی^۲

چکیده

کلان‌رویداد اربعین به‌عنوان پدیده‌ای فراملی، چالش‌های نظری عمیقی را پیش روی نظریات کلاسیک جامعه‌شناسی، به‌ویژه نظریه مبادله اجتماعی قرار داده است. این پژوهش با هدف تبیین تقابل پارادایمیک میان «عقلانیت مبادله‌ای» پیتربلاو و «عقلانیت کرامت محور» شهید مطهری در بستر کنشگری اربعین انجام شده است. این پژوهش یک «تحلیل ثانویه کیفی» است که از نوع «نمونه‌گیری هدفمند از نوع معیارمند» است. به این منظور شش پژوهش میدانی منتخب که به روش مصاحبه و مشاهده مشارکتی انجام شده، به‌عنوان منابع اصلی داده‌های اولیه تحلیل شده‌اند. استراتژی تحلیل، «تحلیل مضمون نظریه محور» بوده است. تحلیل داده‌ها در هفت محور نشان داد که در میدان اربعین، مفاهیم محوری برآمده از تجربه زیسته کنشگران؛ یعنی، «خدمت بی چشم داشت»، «تکلیف‌گرایی»، «عشق به امام حسین (علیه السلام)»، «برکت»، «گمنامی» و «رنج مقدس» با مفروضات بنیادین پارادایم بلاو (محاسبه هزینه-فایده، انتظار پاداش متقابل، تمایز مقام و تفاخر) ناسازگار بوده و در مقابل، با پارادایم شهید مطهری (توسعه مفهوم سود به ربح اخروی، منطق حماسه، استغنائی معنوی، سیادت در خدمت و اقتصاد برکت) هم‌خوانی کامل دارد. نتایج پژوهش نشان‌دهنده غلبه «عقلانیت جوهری» و «کرامت محور» بر «عقلانیت رسمی» و «ابزاری» در اربعین است. پنج اصل بنیادین و متمایز «تکلیف‌گرایی»، «استغنائی معنوی»، «اقتصاد برکت»، «سیادت در خدمت» و «دیگری متعالی» برای عقلانیت کرامت محور بر ضرورت بازنگری در مبانی نظریه‌های غربی در تحلیل پدیده‌های جوامع اسلامی تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اربعین، عقلانیت مبادله‌ای، عقلانیت کرامت محور، پیتربلاو، شهید مطهری، تحلیل ثانویه کیفی.

۱. استاد گروه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول): khanmohammadi49@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران: m.shahroudy90@gmail.com

۱. مقدمه

پدیده راهپیمایی اربعین در سال‌های اخیر از یک آیین مذهبی صرف، به یک «ابرروداد هویت‌ساز» و پدیده‌ای تمدنی بدل شده که مرزهای جغرافیایی، قومی و زبانی را درنور دیده است. آیین‌های مذهبی یکی از فرصت‌های ویژه اصحاب ادیان و مذاهب برای اعلام موجودیت خود به هویت‌های دیگر و همچنین موقعیتی مناسب برای بازنمایی و برساخت اهالی مذهب از وضعیت فرهنگی و اجتماعی خود است (گیویان و امین، ۱۳۹۶: ۱۶۷). آنچه اربعین را از سایر تجمعات انبوه بشری متمایز می‌سازد، ظهور نوعی از «کنشگری» است که در آن مؤلفه‌هایی نظیر ایثار، بذل مال بی‌چشم‌داشت، خدمت رایگان و تحمل رنج داوطلبانه در کانون تعاملات قرار می‌گیرد و همه کنش‌ها در سطوح گوناگون آن اعم از همه سنت‌ها و خدمت‌ها، همه خواستن‌ها و نخواستن‌ها، همه گذشت‌ها و فداکاری‌ها، همه رهانشدگی‌ها از تعلقات و همه دلدادگی‌ها و وصل شدن‌ها به اصل‌ها می‌شود و پیوندی با امام ایجاد می‌کند که فرای همه این‌هاست و آن چیزی جز سرسپردگی و دلدادگی محض به امام نیست (شراهی و ذوالفقارزاده کرمانی، ۱۳۹۸: ۱۴۳). این کنشگری، برخلاف الگوهای رایج در اقتصاد سیاسی جهانی، مبتنی بر نوعی «بخشش یک‌جانبه» و «منطق غیربازاری» است که تبیین آن در چهارچوب نظریه‌های کلاسیک علوم اجتماعی با دشواری‌های جدی مواجه است.

در نقطه مقابل، جهان مدرن زیر سیطره نوعی خردورزی قرار دارد که ماکس وبر آن را «عقلانیت رسمی» یا «عقلانیت ابزاری» می‌نامد. این عقلانیت که ستون فقرات نظام سرمایه‌داری و بوروکراسی مدرن را تشکیل می‌دهد، بر اساس «حسابگری هدفمند و انتخاب ارزان‌ترین و کارآمدترین راه برای رسیدن به هدف» تعریف می‌شود (عضدانلو، ۱۳۸۸: ۱۰۲). نمود بارز این عقلانیت ابزاری در جامعه‌شناسی، نظریه «مبادله اجتماعی» پیتر بلاو است. بلاو با تلفیق مبانی رفتارگرایی روان‌شناختی و اقتصاد خرد، روابط انسانی را بر پایه مبادله و پاداش تحلیل می‌کند. از دیدگاه بلاو، مبادله اجتماعی تنها محدود به کنش‌هایی است که مشروط به واکنش‌های پاداش‌دهنده دیگران باشند؛ به گونه‌ای که اگر این کنش‌ها واکنش‌های مورد انتظار را در پی نداشته باشند، متوقف خواهند شد. افراد به

دلیل پاداش‌های متقابلی که به دست می‌آورند جذب یکدیگر شده و پیوندهای اجتماعی برقرار می‌کنند. پایداری و تقویت این پیوندها نیز کاملاً منوط به همین پاداش‌هاست که می‌توانند درون‌ذاتی (مانند عشق، محبت و احترام) یا برون‌ذاتی (مانند پول و کار جسمانی) باشند (ریتزر، ۱۳۸۴: ۴۳۵). نکته کلیدی آنکه «پاداش» در نظریه بلاو صرفاً مادی نیست، بلکه «تأیید اجتماعی»، «منزلت» و «تفاخر» را نیز در بر می‌گیرد (Blau, 1964: 17). این تعریف موسّع، مجال طرح این فرضیه رقیب را فراهم می‌کند که شاید کنشگران اربعین نیز در جست‌وجوی «اعتبار اجتماعی» باشند.

مسئله اساسی این پژوهش، لحظه‌ای است که نظریه مبادله بلاو در برابر رفتارهای خادمان و زائران در اربعین قرار می‌گیرد. چگونه می‌توان «بذل مال بی چشم‌داشت»، «اطعام میلیون‌ها غریبه بدون دریافت هزینه» و «تحمل رنج جسمانی داوطلبانه» را با منطق «سود حداکثری» و «محاسبه هزینه-فایده» تبیین کرد؟ آیا می‌توان این رفتارها را ذیل مفهوم «پاداش روانی تأیید اجتماعی» (که بلاو مطرح می‌کند) توضیح داد، یا اینکه این پدیده نشان‌دهنده افق جدیدی از عقلانیت است که در قالب نظریات مدرن نمی‌گنجد؟

برای عبور از این چالش تحلیلی، رجوع به اندیشه اجتماعی-الهیاتی شهید مرتضی مطهری به‌عنوان یکی از منسجم‌ترین چهارچوب‌های نظری در جهان اسلام که مفاهیم سود و ارزش را بازتعریف کرده، راهگشا و واجد اصالت نظری خواهد بود. در اندیشه او، «اقتصاد مستقل یکی از شرایط حیات ملی است» و این استقلال نه از راه انباشت سرمایه و پیروی از عقلانیت ابزاری، بلکه از راه ایشار و جریان یافتن مال در خدمت به خلق حاصل می‌شود. همچنین، برخلاف تصور رایج، مطهری انسان را موجودی «سودجو» می‌داند، اما سود را به «سود اخروی» و «برکت» بسط می‌دهد. در فلسفه ثروت نیز، مطهری ثروت را یک «وسیله» و نه «هدف» تلقی می‌کند. از نظر او، بنیه مالی و ثروت برای یک جامعه، حکم عامل پایداری و استقلال را دارد و جامعه‌ای که اهمیت اقتصاد مستقل را درک نکند، اسیر وابستگی می‌شود؛ با این حال، ارزش ثروت در جریان یافتن آن برای خیر جامعه است، نه در انباشت و بخل فردی (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۲).

هدف این پژوهش، رد یا اثبات جزم‌گرایانه هیچ‌یک از دو نظریه نیست؛ بلکه مواجهه تجربی میان دو فرضیه رقیب در یک میدان غیربازاری است. فرضیه اول بر پایه عقلانیت مبادله‌ای (بلاو) درصدد تبیین کنش‌ها بر اساس بازده‌های مادی و نمادین درون جهانی است و فرضیه دوم بر پایه عقلانیت کرامت‌محور (مطهری)، تبیین کنش را در ساحت الهیاتی پیگیری می‌کند. این مطالعه تلاشی است بی‌طرفانه برای سنجش این موضوع که کدام‌یک از این دو چارچوب، از ظرفیت اکتشافی و انسجام تبیینی بیشتری در مواجهه با داده‌های تجربی این ابرروداد برخوردار است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که یافته‌های مستند از پژوهش‌های میدانی معتبر درباره کنشگران اربعین، کدام یک از دو دیدگاه بلاو و مطهری را تأیید می‌کنند؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

مطالعات مرتبط با اربعین در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته و از زوایای مختلفی به این پدیده پرداخته‌اند. برای سهولت، این مطالعات را در چهار دسته اصلی مرور می‌کنیم.

دسته اول: مطالعات پدیدارشناختی و مردم‌نگارانه. این گروه از پژوهش‌ها بر تجربه زیسته کنشگران متمرکز بوده‌اند. رضوی‌زاده (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای با عنوان «ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق» سه مضمون اصلی را شناسایی کرد: تجربه تعلیق امر مادی و روزمره، رنج مقدس به مثابه مولد معنا و برانگیزاندگی عاطفی مناسک جمعی زیارت. درودیان (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «منظر معنوی رویداد پیاده‌روی اربعین حسینی» مؤلفه‌هایی چون هم‌ذات‌پنداری، حس امنیت در عین ناامنی، مهمان‌نوازی صادقانه، تجربه عشقی داوطلبانه و عشق دوطرفه میزبان و مهمان به سیدالشهدا (علیه السلام) را کشف کرد. رضانی تمیجانی (۱۳۹۹) با تمرکز بر جهان ذهنی خادمان، چهار مضمون اصلی ایستارها، ایماژها، انگاره‌ها و تفسیرها را استخراج کرد. تاج‌بخش (۱۳۹۹) نیز به‌طور ویژه بر زائران جوان متمرکز شد و پنج مضمون سفر فیزیکی، سفر شناختی-اعتقادی، تجربی-احساسی، سبک زندگی اربعینی و هویت اربعینی را شناسایی کرد.

دسته دوم: مطالعات تطبیقی و جامعه‌شناختی. این دسته به ابعاد کلان‌تر و تطبیقی

پدیده پرداخته‌اند. پویافر (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای تطبیقی با عنوان «خیر ایرانی - خیر عراقی» به مقایسه الگوی فعالیت‌های خیر دینی در پیاده‌روی اربعین بین دو ملت پرداخت و هفت نوع فعالیت خیر دینی را شناسایی کرد. غفاری هاشجین و آقایی (۱۳۹۷) با بهره‌گیری از نظریه چارلز تیلی، اربعین را به مثابه یک جنبش عظیم اجتماعی تحلیل کردند و مؤلفه‌های استمرار ستادها، بهره‌گیری از طیفی از تظاهرات عمومی و ابراز عمومی چهار مشخصه ارزشمندی، وحدت، تعداد و تعهد را در آن بارز دانستند. گیویان و امین (۱۳۹۶) نیز از منظر ارتباطات آیینی، سه رکن ماهیت، ساختار و کارکردهای پیاده‌روی اربعین را با مفاهیم محبت اهل بیت (علیهم‌السلام)، نمایش جهانی و هویت شیعی تبیین کردند.

دسته سوم: مطالعات انگیزه‌شناختی و گونه‌شناختی. این پژوهش‌ها به دنبال فهم چرایی حضور کنشگران بوده‌اند. ایمانی خوشخو و بد (۱۳۹۵) با مطالعه موردی پیاده‌روی اربعین، انگیزه زائران را در دو دسته اصلی «احساسات درونی» (شامل ۹ مؤلفه) و «اعتقادات مذهبی» (شامل نذر، قسم و تقدیر) طبقه‌بندی کردند. فروغی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در مطالعه‌ای کیفی، انگیزه‌های زائران ایرانی را ذیل سه مقوله «احساس نیاز»، «احساس تکلیف» و «احساس شور» تحلیل کردند.

دسته چهارم: مطالعات مردم‌شناختی رفتار و فرهنگ. شراهی و ذوالفقارزاده کرمانی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «واکاوی ادراک زائران از رفتار خادمان در اربعین» رفتار خادمان را با مفاهیم سنت، برکت و محبت بی‌منت تبیین کردند. بنی‌اسد (۱۳۹۸) نیز با روش قوم‌نگاری، فرهنگ پیاده‌روی اربعین را در چهار مقطع زمانی توصیف و تحلیل کرده و راهبردهایی برای نهادهای انقلاب اسلامی ارائه داده است.

شکاف پژوهشی: با وجود غنای این مطالعات، هیچ یک از آن‌ها به‌طور مستقیم به مقایسه و سنجش تجربی دو پارادایم رقیب (نظریه مبادله بلاو در برابر اندیشه مطهری) در بستر اربعین پرداخته‌اند. این پژوهش با استفاده از داده‌های این مطالعات، درصدد پر کردن این شکاف نظری-تجربی است.

۱-۲. چهارچوب مفهومی: پارادایم‌های رقیب

در این بخش، دو الگوی نظری متقابل برای فهم انگیزه و ساختار کنش‌های اجتماعی به‌ویژه در پدیدهٔ اربعین معرفی می‌شود: پارادایم عقلانیت مبادله‌ای (پیتر بلاو) و پارادایم عقلانیت کرامت‌محور (شهید مطهری). پارادایم نخست بر پایهٔ «محاسبه سود و پاداش» در روابط انسانی شکل گرفته و کنش را نوعی مبادله برای بیشینه‌سازی منافع می‌داند؛ اما پارادایم دوم با توسیع مفهوم «سود» به ساحت اخروی و تأکید بر کرامت ذاتی انسان، الگویی فراتر از مبادله ابزاری ارائه می‌کند. در ادامه، هر یک از این دو پارادایم به تفکیک بررسی می‌شود:

الف. پارادایم عقلانیت مبادله‌ای (پیتر بلاو)

نظریهٔ مبادله اجتماعی پیتر بلاو، به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی جامعه‌شناسی خرد و میان‌برد، تلاش می‌کند تا پیچیده‌ترین رفتارهای انسانی را به زیربناهای روان‌شناختی و انگیزشی تقلیل دهد. بلاو معتقد است واحد اصلی تجزیه و تحلیل در جامعه، روابط متقابل و رویارویی رو در روی افراد است. به تصریح بلاو، هدف وی از طرح نظریهٔ تبادل، «فهم ساختار اجتماعی بر پایه تحلیل فرایندهای اجتماعی حاکم بر روابط میان افراد و گروه‌هاست». پیش‌فرض بنیادین بلاو این است که کنش‌های اجتماعی، «اقداماتی داوطلبانه هستند که با انگیزه دریافت بازده و پاداش از سوی دیگران انجام می‌شوند» (Blau, 1964: 91).

نکتهٔ کلیدی در تحلیل بلاو، تعریف موسّع او از «سود» و «پاداش» است. از منظر او، «پاداش» هر چیزی است که کنشگر برای آن ارزش ذهنی قائل باشد؛ شامل پول و کالا (پاداش‌های مادی)، تأیید و تحسین اجتماعی، منزلت و پرستیژ، تفاخر (پاداش‌های نمادین)، و حتی احساس رضایت درونی (پاداش‌های روان‌شناختی). به‌طور خلاصه، چهارچوب این نظریه بیان می‌کند که هر کاری انسان‌ها در زندگی انجام می‌دهند، نوعی فعالیت مبادله‌ای است که هدفشان در آن، رسیدن به حداکثر سود است. انسان‌ها آرزوها و عقایدی دارند که بر اساس آن و همچنین امکانات مادی و معنوی خود تصمیم می‌گیرند

به کدام فعالیت مبادله دست بزنند که بیشترین سود و منفعت را برایشان به همراه داشته باشد (Blau, 1964: 15). این تعریف موسّع، نقدی بالقوه بر این پژوهش وارد می‌کند؛ زیرا ممکن است مدافع نظریه بلاو استدلال کند که خادمان اربعین نیز در حال کسب «اعتبار اجتماعی» یا «تفاخر» هستند؛ بنابراین رفتارشان همچنان در چهارچوب عقلانیت مبادله‌ای قابل تبیین است.

بلاو برای تبیین چگونگی گذار از مبادلات ساده خُرد به ساختارهای کلان اجتماعی، فرایندی چهارمرحله‌ای ترسیم می‌کند (ibid, 1964: 250-253):

۱. تبادلات شخصی: شروع روابط بر پایه جذب متقابل و انتظار دریافت سود.
 ۲. تمایز در مقام و منزلت: در جریان مبادله، کسانی که منابع (پاداش‌های) بیشتری برای عرضه دارند، به جایگاه فرادست می‌رسند و نابرابری شکل می‌گیرد.
 ۳. سازمان‌یافتگی و مشروعیت: اگر توزیع پاداش‌ها مطابق با هنجارهای عدالت اجتماعی (تناسب پاداش با هزینه) باشد، نظام سیاسی و اجتماعی مشروعیت می‌یابد.
 ۴. دگرگونی و تضاد: بی‌عدالتی در مبادله منجر به اعتراض، مقاومت و تغییر ساختار می‌شود.
- از این منظر، هر کنشی که در آن هزینه بر پاداش پیشی بگیرد مانند بذل مال بدون بازگشت در اربعین از دیدگاه بلاو رفتاری «غیرعقلانی» محسوب می‌شود. نباید نظریه تبادل اجتماعی بلاو را به یک الگوی صرفاً پولی یا اقتصاد خرد تقلیل داد. بلاو (ibid, 1964: 17) به صراحت تبیین می‌کند که بخش عمده‌ای از تعاملات انسانی برای کسب پاداش‌های غیرمادی و نمادین نظیر تأیید اجتماعی، کسب منزلت و پرستیژ و تفاخر نمادین صورت می‌گیرد. در این پژوهش، میدان اربعین نه تنها در برابر بعد مادی نظریه بلاو، بلکه دقیقاً در برابر این بعد موسّع و نمادین (فرضیه کسب اعتبار اجتماعی خادمان) به آزمون گذاشته شده است تا مشخص شود آیا مفهوم گمنامی و تواضع خادمان با منطق منزلت‌خواهی بلاو هم‌خوان است یا خیر.

ب. پارادایم عقلانیت کرامت‌محور (شهید مطهری)

در تقابل با پارادایم مبادله‌ای، شهید مطهری الگویی از کنشگری ارائه می‌دهد که می‌توان آن را «عقلانیت کرامت‌محور» نامید. در این پارادایم، کنش‌های اقتصادی و اجتماعی انسان نه در خلأ، بلکه در پیوند با یک نظام منسجم الهیاتی معنا می‌یابند.

۱. نگاه سیستمی و توسعه معنای «سود»

نقطه تمایز شهید مطهری در تحلیل مسائل اجتماعی، پرهیز از نگاه جزئی‌نگر و اتمیزه به رفتارهای انسانی است. یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز پارادایم کرامت‌محور با پارادایم مبادله‌ای، نه در «سودجو بودن» یا «نبودن» انسان، بلکه در تعریف و گستره مفهوم «سود» است. شهید مطهری انسان را موجودی «سودجو» می‌داند، اما سود در این پارادایم به «سود مادی و این‌دنیایی» محدود نیست، بلکه «سود اخروی»، «قرب الهی» و «برکت در مال و عمر» را نیز در برمی‌گیرد (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۲). علامه طباطبایی در تفسیر المیزان تصریح می‌کند که انسان بالطبع به دنبال جلب منفعت و دفع ضرر است و تمامی افعال او بر اساس نوعی محاسبه سود و زیان انجام می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۱۸). مطهری تأکید می‌کند که انسان مؤمن نیز یک «محاسبه‌گر» است، اما محاسبه‌گری او بر اساس معادلات وسیع‌تری صورت می‌گیرد که در آن «سرمایه‌گذاری برای آخرت» و «تجارت با خداوند» به عنوان عقلانی‌ترین شکل مبادله تلقی می‌شود. از منظر او، قرآن کریم ایمان و مجاهدت با مال و جان را یک معامله و «تجارت» سودآور معرفی می‌کند که خروجی آن نجات از عذاب و دستیابی به ربح اخروی است؛ تجارتی که در آن طرف حساب پروردگار است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۷: ۳۵).

۲. اصالت کرامت، منطق حماسه و فلسفه ثروت

مطهری ریشه کنش را در «کرامت ذاتی» و «فطرت» انسان جست‌وجو می‌کند. در اندیشه او، انسان دارای دو «من» است: من سفلی (حیوانی و سودجو) که مشابه «انسان اقتصادی» بلاو است، و من علوی (کریم و الهی) که کمال خود را در «عطا کردن» می‌بیند.

عقلانیت کرامت‌محور زمانی ظهور می‌کند که انسان از سطح نیازهای مادی عبور کند و به واسطه «فطرت»، کمال خود را در «بخشیدن» بیابد. بر این اساس، خادم اربعین با بخشیدن مال خود، نه تنها احساس خسارت نمی‌کند، بلکه به واسطه احیای کرامت نفس، بزرگی روح را تجربه می‌کند؛ چراکه در این دیدگاه، روح‌های بزرگ با ایشار و بخشش به بهجت و کمال می‌رسند، در حالی که روح‌های کوچک از بخشیدن احساس تهی شدن دارند (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۰۴).

شهید مطهری میان «عقل حسابگر» و «منطق حماسه» تمایز قائل می‌شود. عقل معمولی و حسابگر تنها به دنبال منافع شخصی، عافیت‌طلبی و حفظ بقای مادی است؛ اما منطق حماسه و ایشار، منطق فداکاری، غیرت و گذشتن از خود برای آرمان‌های متعالی است که فرسنگ‌ها با منطق مصلحت‌سنجی‌های رایج فاصله دارد (همان، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۲۰). در این پارادایم، رنج و مشقت در راه هدف، نه یک «هزینه» منفی، بلکه ابزاری برای تعالی و تزکیه نفس است. در فلسفه ثروت نیز مطهری ثروت را یک «وسیله» و نه «هدف» تلقی می‌کند. تفاوت اصلی در اینجاست که در نظام‌های مادی، ثروت تا زمانی ارزش دارد که در «ملکیت و تصرف فرد» باشد (انباشت)، اما در پارادایم کرامت، ثروت زمانی ارزش آفرین است که «در راه خدا و خدمت به خلق جریان یابد» (همان، ۱۳۶۸: ۲۲). ایشار اقتصادی در اربعین، نه یک هدررفت منابع، بلکه یک «مانور استقلال» و راهی برای تقویت بنیه معنوی و مادی جامعه اسلامی از طریق چرخش ثروت و نفی وابستگی است.

در تبیین حدود و ثغور مفهومی عقلانیت کرامت‌محور، تمایز آن با عقلانیت ارزشی ماکس و بر ضرورتی روش‌شناختی دارد. در عقلانیت ارزشی، کنشگر بدون محاسبه عقلانی پیامدها، صرفاً بر اساس تکلیفی صلب، عقیده‌ای جزم‌گرایانه یا وفاداری به یک ارزش مطلق پیشین عمل می‌کند (عضدانلو، ۱۳۸۸: ۱۰۵)؛ اما عقلانیت کرامت‌محور بر پایه اندیشه الهیاتی- اجتماعی شهید مطهری، واجد منطقی پویاتر و ارگانیک است؛ در این الگو، کنش نه یک فرمانبرداری فرساینده از تکلیفی خشک، بلکه فرایندی برخاسته از تجلی فطری «من علوی» و سعه وجودی انسان کریم برای رسیدن به کمال است (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۰۴).

نظام اخلاق اقتصادی در این پارادایم، برخلاف نگاه وبری، تقابلی میان عقل و احساس ایجاد نمی‌کند، بلکه مؤلفه عقل حماسی (امتزاج شور عاطفی و شعور معرفتی) را صورت‌بندی می‌کند (همان، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۲۰). در این سنخ از عقلانیت، شاخص‌های سنجش‌پذیر عبارتند از: ۱. جهت‌گیری معطوف به دیگری متعالی (تجارت با خدا)، ۲. بسط معنای سود به ربح اخروی و برکت (همان، ۱۳۶۸: ۲۲) و ۳. تجلی کرامت نفس در قالب «سیادت در خدمت» (کرم‌الهی و مطهری‌فر، ۱۴۰۲: ۲۳۹). رنج و هزینه مادی در این چهارچوب، امری منفی یا اتلافی محسوب نمی‌شود، بلکه ابزاری فعال برای توسعه وجودی، تزکیه نفس و نفی وابستگی جامعه اسلامی است (همان: ۲۲۹).

۳-۱. روش پژوهش

این پژوهش از نظر استراتژی اجرا، یک «تحلیل ثانویه کیفی» از نوع تطبیقی است. در این رویکرد، داده‌های کیفی گردآوری‌شده در پژوهش‌های اولیه، به‌منظور پاسخ به پرسش‌های جدید یا ارزیابی مجدد در پرتو یک چهارچوب مفهومی متفاوت، تحلیل می‌شوند (Bryman, 2016: 312). بر اساس چهارچوب روش‌شناختی هیتون، این نوع تحلیل ثانویه از سنخ «تحلیل فراتئوریک» است که در آن، محقق فراتر از اهداف اولیه پژوهش‌های مبدأ حرکت کرده و داده‌های موجود را برای ارزیابی یک پارادایم رقیب به کار می‌گیرد (Heaton, 2004: 37). این روش به محقق اجازه می‌دهد تا بدون انجام کار میدانی زمان‌بر، از داده‌های غنی موجود برای آزمون فرضیه‌های جدید و ارائه سنتزهای نظری بدیع استفاده کند.

۴-۱. منابع داده‌های ثانویه

در این پژوهش، برای استخراج مستند یافته‌ها از ۶ مقاله مبدأ، فرایند کدگذاری در دو مرحله انجام شد: ابتدا ۳۸ کد اولیه (وصفی) استخراج شد. ملاک انتخاب نقل‌قول‌ها از مقالات مرجع، اشباع مضمونی و فراوانی بالای تکرار آن‌ها در تجربه زیسته خادمان و زائران بود. این کدهای اولیه بر اساس شباهت‌های ساختاری در گام دوم به ۱۲ مضمون پایه و سپس شش مضمون سازمان‌دهنده تقلیل یافتند (ثبت در جدول ۲). برای کنترل

(کریم خان محمدی، سید محمد علی مرتضوی شاهرودی)

سوگیری پژوهشگر و تضمین پایایی: ابتدا کدگذاری چند مرحله تکرار شد تا از کد استخراج شده اطمینان حاصل شود؛ ثانیاً معیار ارزیابی کیفیت داده‌های ثانویه بر اساس شاخص هیتون (Heaton, 2004: 42) مبنی بر تناسب کامل داده‌های اولیه با سوالات جدید پژوهش اعمال شد و در نهایت فرایند تحلیل به تایید استادان ناظر رسید. منابع نهایی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: مقالات منتخب برای تحلیل ثانویه کیفی

ردیف	نویسنده (سال)	عنوان	روش تحقیق	حجم نمونه	مضامین اصلی	نشریه
۱	رضوی‌زاده (۱۳۹۶)	ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق	کیفی (مصاحبه نیمه‌ساختاریافته + مشاهده)	۱۷ مصاحبه	تعلیق امر مادی، رنج مقدس، برانگیزاندگی عاطفی	مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران
۲	درویدیان (۱۳۹۷)	منظر معنوی رویداد پیاده‌روی اربعین حسینی	کیفی (مصاحبه گلوله برفی + مشاهده + اسناد)	۳۸ مصاحبه	هم‌ذات‌پنداری، امنیت در ناامنی، مهمان‌نوازی، عشق دوطرفه	مجله منظر
۳	رمضانی تمیچانی (۱۳۹۹)	بررسی ابعاد مشارکت جمعی در پیاده‌روی اربعین	کیفی (تحلیل مضمون + نمونه‌سازی آرمانی)	۱۷ مصاحبه با خادمان	ایستارها، ایمازها، انگاره‌ها، تفسیرها	فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران
۴	تاج‌بخش (۱۳۹۹)	پیاده‌روی اربعین و معنایابی کنش زیارت زائران جوان	کیفی (مصاحبه نیمه‌ساختاریافته)	۳۵ مصاحبه (جوانان ۱۸ سال ۳۵ سال)	سفر فیزیکی، شناختی، تجربی، سبک زندگی، هویت اربعینی	فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران

۵	بنی‌اسد (۱۳۹۸)	قوم‌نگاری فرهنگ پیاپیاده‌روی اربعین	قوم‌نگاری (مشاهده + مصاحبه باز + تصویری)	مطالعه در ۴ مقطع زمانی	توصیف و تحلیل فرهنگ در چهار مرحله سفر	دوفصلنامه علمی-پژوهشی دین و ارتباطات
۶	ایمانی خوشخو و بد (۱۳۹۵)	گونه‌شناسی زائران کربلا بر اساس هدف و انگیزه	مطالعه موردی کیفی (مصاحبه نیمه‌ساختاریافته)	۲۰ مصاحبه	احساسات درونی (۹ مؤلفه)، اعتقادات مذهبی (نذر، قسم، تقدیر)	فصلنامه علمی-پژوهشی گردشگری و توسعه

استراتژی تحلیل در این پژوهش، «تحلیل مضمون نظریه‌محور» است (Bryman, 2016: 585). منظور از تحلیل مضمون نظریه‌محور (که به آن تحلیل مضمون قیاسی یا چهارچوب‌مدار نیز گفته می‌شود)، رویکردی است که در آن فرایند کدگذاری و استخراج کدهای اولیه برخلاف رویکردهای استقرایی (داده‌محور)، بر پایه چهارچوب نظری از پیش تعیین شده یا یک «کدنامه پیش‌پنداشته» آغاز می‌شود. در این استراتژی، پژوهشگر به جای اینکه اجازه دهد مضامین صرفاً از دل خود داده‌ها بجوشند، ابتدا سازه‌ها، مؤلفه‌ها و کدهای محوری را از ادبیات و پارادایم‌های نظری رقیب (در این پژوهش: مفاهیم مبادله‌ای بلاو و مؤلفه‌های عقلانیت کرامت‌محور مطهری) استخراج می‌کند؛ سپس با این عینک نظری به سراغ داده‌های متن (تجربه زیسته زائران و خادمان) می‌رود تا فراوانی، کیفیت بازتاب، و میزان انطباق یا چالش این مفاهیم نظری را در میدان واقعی پدیده مورد مطالعه، ردیابی، دسته‌بندی و تحلیل کند. مراحل تحلیل عبارت‌اند از:

۱. ساخت کدنامه نظری: مفاهیم محوری دو پارادایم رقیب (بلاو و مطهری) استخراج و تعریف عملیاتی شدند. برای پارادایم بلاو، کدهایی مانند «انتظار پاداش مادی/نمادین»، «محاسبه هزینه-فایده»، «تمایز مقام و منزلت»، «بستانکاری متقابل»، «عدالت توزیعی» و «تفاخر» تعریف شدند. برای پارادایم مطهری، کدهایی مانند «تکلیف‌گرایی»، «عشق به امام حسین (علیه السلام)»، «برکت»، «استغناي معنوی»، «گمنامی»، «منطق حماسه»، «رنج مقدس»، «تجارت با خدا» و «سیادت در خدمت» تعریف شدند.

۲. گردآوری داده‌های ثانویه: تمامی نقل قول‌های مستقیم مشارکت‌کنندگان و مقوله‌های استخراج‌شده توسط محققان اولیه که به مفاهیم کدنامه مرتبط بودند، از شش مقاله اصلی استخراج و در یک ماتریس تحلیلی ثبت شدند.

۳. کدگذاری و تحلیل: داده‌های گردآوری‌شده بر اساس کدنامه کدگذاری شدند. سپس میزان هم‌خوانی/ناهم‌خوانی آن‌ها با هر یک از دو پارادایم سنجیده شد. در مرحله نهایی، یافته‌های کدگذاری در قالب هفت محور تقابل پارادایمیک سازماندهی و تفسیر شدند.

۲. یافته‌های پژوهش

در رویکرد تحلیل مضمون نظریه‌محور، فرایند استخراج مضامین مستند به داده‌های تجربی، از طریق یک حرکت نظام‌مند از «نظریه به داده» و سپس تشکیل شبکه مضامین صورت می‌گیرد. بر این اساس، ابتدا با اتنا بر پیش‌فرض‌های پارادایم عقلانیت مبادله‌ای (پیتربلاو) و پارادایم عقلانیت کرامت‌محور (شهید مطهری)، یک «کدنامه نظری پیش‌پنداشته» شکل گرفت. در گام دوم، با عینک این کدنامه نظری، محتوای غنی ۶ پژوهش میدانی مرجع (تجربه زیسته و نقل قول‌های مستقیم خادمان و زائران) به روش قیاسی مورد اسکن و تحلیل محتوا قرار گرفت. کدهای اولیه استخراج‌شده که واجد وجه مشترک معنایی بودند، ذیل مضامین فرعی یا «مضامین پایه» دسته‌بندی شدند. در گام بعد، از تقاطع و هم‌گرایی مضامین پایه، «مضامین سازمان‌دهنده» برساخت گردیدند و در نهایت، با جهت‌گیری غایی، ذیل دو کلان‌مفهوم یا «مضمون فراگیر» یعنی دو پارادایم رقیب، سامان یافتند.

به منظور حفظ اصالت روش‌شناختی، شفافیت فرایند تحلیل و اجتناب از سوگیری گزینشی، شبکه مضامین استخراج‌شده از داده‌های تجربی شش پژوهش مرجع، در قالب جدول ۲ صراحت یافته است. این جدول نشان می‌دهد که هر یک از کدهای پایه یافته‌ها، دقیقاً از دل کدام مستندات میدانی و در تقابل با کدام مؤلفه نظری حاصل شده‌اند:

جدول ۲. شبکه مضامین سه‌سطحی پژوهش؛ صورت‌بندی ساختاری یافته‌ها مستند به داده‌های میدانی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضامین پایه / کدهای اولیه	پژوهش‌های میدانی مرجع
۱. پارادایم عقلانیت کرامت‌محور (شهید مطهری)	منطق تکلیف و توفیق معنوی (بازتعریف محرک کنش)	۱-۱. احساس تکلیف و وظیفه شرعی - قدسی ۱-۲. تلقی کنشگری به مثابه رزق الهی و توفیق‌های ۱-۳. باور به قسمت، تقدیر و هدایت ناخودآگاه	تاج‌بخش (۱۳۹۹)؛ رضوی‌زاده (۱۳۹۶)؛ رمضانی تمیجانی (۱۳۹۹)؛ ایمانی خوشخو و بد (۱۳۹۵)
	استغنائی معنوی و نفی تفاخر (اعتبار و جایگاه اجتماعی)	۲-۱. التماس معکوس میزبان برای خدمت به زائر ۲-۲. ترجیح هویت خادمی بر مناصب رسمی موبک ۲-۳. پوشش یکنواخت مشکی برای محو تفاخر طبقاتی	درودیان (۱۳۹۷)؛ رمضانی تمیجانی (۱۳۹۹)؛ تاج‌بخش (۱۳۹۹)؛ ایمانی خوشخو و بد (۱۳۹۵)
	اقتصاد برکت و رنج مقدس (نگرش به هزینه و رنج)	۳-۱. بازسازی تاریخی رنج اهل بیت (علیهم‌السلام) در سختی مسیر ۳-۲. تاول پا به مثابه کفاره گناهان و عامل برآورده شدن حاجات ۳-۳. باور به وسعت رزق مادی و پربرکت شدن خانه با حضور مهمان	رضوی‌زاده (۱۳۹۶)؛ درودیان (۱۳۹۷)؛ تاج‌بخش (۱۳۹۹)؛ بنی‌اسد (۱۳۹۸)؛ رمضانی تمیجانی (۱۳۹۹)
	سیادت در خدمت (الگوی نقش و ساختار قدرت)	۴-۱. واژگونی سلسله‌مراتب قدرت سیاسی در برابر امر قدسی ۴-۲. توسعه حس فروتنی و تحقیر نفس در برابر زائر ۴-۳. برابری مطلق انسان‌ها و محو نظام قشر‌بندی	درودیان (۱۳۹۷)؛ رمضانی تمیجانی (۱۳۹۹)؛ تاج‌بخش (۱۳۹۹)

۱. پارادایم عقلانیت کرامت‌محور (شهید مطهری)	عقلانیت الهیاتی و دیگری متعالی (جهت‌گیری و غایت کنش)	۵-۱. خدمت خالصانه معطوف به ذات امام حسین (علیه السلام) ۵-۲. تعمیم قدسیت از حرم به بستر فیزیکی مسیر ۵-۳. کنشگری با غایت زمینه‌سازی ظهور و شفاعت اخروی	درویدیان (۱۳۹۷)؛ رمضانی تمیجانی (۱۳۹۹)؛ تاج‌بخش (۱۳۹۹)؛ رضوی‌زاده (۱۳۹۶)
	عقل حماسی (امتزاج شور و شعور)؛ مبنای عقلانیت	۶-۱. حس سبکی، اتصال معنوی و ارتباط با ملکوت ۶-۲. جذب مغناطیسی و فراموشی مصائب مادی در پیاده‌روی ۶-۳. فوران شور و عاطفه همگام با بینش تاریخی	ایمانی خوشخو و بد (۱۳۹۵)؛ درویدیان (۱۳۹۷)؛ رمضانی تمیجانی (۱۳۹۹)؛ تاج‌بخش (۱۳۹۹)
۲. پارادایم عقلانیت میادله‌ای (پیتربلا)	محاسبه‌گری ابزاری درون جهانی	۷-۱. کنش ارادی منوط به دریافت بازده مستقیم از دیگری ۷-۲. انباشت منابع برای کسب منزلت و تفاخر نمادین ۷-۳. شکل‌گیری تمایز مقام، نابرابری و سلطه فرادست بر فرودست	این مضامین به عنوان «فرضیه رقیب نظری» وارد تحلیل شدند؛ اما شواهد حاصل از شش پژوهش میدانی مورد بررسی، مؤید آن‌ها نبوده و در فرایند تحلیل تطبیقی ابطال شده‌اند.

۲-۱. انگیزه خدمت: غلبه «منطق تکلیف» بر «منطق پاداش»

نظریه بلا و پیش‌بینی می‌کند هرگاه در یک گروه، افرادی نتوانند برای رفع نیازهایشان چیز قابل مقایسه و برابری برای جبران ارائه دهند، ناچار می‌شوند خود را تابع دیگران سازند. در نتیجه، آن‌هایی که می‌توانند پاداش‌های بیشتری ارائه کنند، بیشتر از همه احتمال دارد که به سمت‌های رهبری و جایگاه فرادست دست یابند که این امر به پیدایش تفاوت قدرت و تفکیک مقام می‌انجامد (ریتزر، ۱۳۸۴: ۴۳۶). با این حال، داده‌های میدانی تصویری کاملاً متفاوت ارائه می‌دهند.

تاج‌بخش (۱۳۹۹: ۱۵۷-۱۵۵) در مطالعه خود با ۳۵ زائر جوان، «احساس تکلیف شرعی» را به عنوان یکی از مضامین اصلی انگیزه شناسایی می‌کند. یکی از مصاحبه‌شوندگان (دانشجوی کارشناسی ارشد فیزیک هسته‌ای) می‌گوید: «احساس تکلیف و وظیفه شرعی کردم که بیایم برای باشکوه‌تر کردن این امر قدسی». در جای دیگر، زائری ۲۶ ساله اظهار می‌دارد: «تهدیدها همواره از گذشته تاکنون وجود داشته است؛ وظیفه من ادای دین شرعی و پیوستن به عنوان قطره‌ای به این سیل جمعیت است» (همان: ۱۵۷).

رضوی‌زاده (۱۳۹۶: ۶۰۴) نیز گزارش می‌دهد که بسیاری از مشارکت‌کنندگان، تصمیم به سفر را خارج از چهارچوب‌های متعارف و محاسبه‌گرانه توصیف می‌کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان (۴۰-۵۰ ساله، اصفهانی) این‌ها امری خدایی و برخاسته از عشق است و دست مان نیست؛ چرا که بر اساس روایات، خداوند خیر هر کسی را بخواهد، عشق امام حسین (علیه السلام) را در دلش می‌اندازد. این گزاره، کنشگرانه یک «فاعل ذی نفع»، بلکه یک «محبوب» و «طلبیده شده» معرفی می‌کند.

رمضانی تمیجانی (۱۳۹۹: ۱۵-۱۶) در تحلیل جهان ذهنی خادمان، «آموزه توفیق» را به عنوان یکی از انگاره‌های اصلی معرفی می‌کند: «مقام زائر اکتسابی نیست، اهدایی است» و «شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین رزق الهی و خدمت به زائر توفیق الهی است». ایمانی خوشخو و بد (۱۳۹۵: ۱۵۲) نیز مفهوم «قسمت و تقدیر» را به عنوان یکی از مضامین اصلی انگیزه معرفی می‌کنند: «حس طلبیده شدن و تصمیم سریع برای رفتن به پیاده‌روی اربعین»، «باور و اعتقاد به قسمت و تقدیر» و «هماهنگی‌های ناخودآگاه در فراهم شدن امکان رفتن به سفر».

تحلیل تطبیقی: تقابل اصلی در این لایه، روی پیش‌فرض «ارادی و معطوف به بازده بودن» کنش در پارادایم مبادله است. در پارادایم بلاو، کنش اجتماعی موقعی به وجود می‌آید که شخصی در ازای عملی، انتظار دریافت پاداش مستقیم داشته باشد (امام جمعه‌زاده و مرتضوی، ۱۳۹۶: ۳۹۵). با این حال، داده‌های میدانی نشان می‌دهند که در میدان اربعین، فاعلیت مستقل کنشگر به نفع یک هویت فراتر یعنی «حس طلبیدگی و توفیق

معنوی» تعلیق می‌شود. لذا کارگزار به جای محاسبه پاداش، در افق «منطق تکلیف» عمل می‌کند؛ امری که شهید مطهری آن را برترین مرتبه آزادی معنوی و تجلی فرمانروایی روح بر نفس می‌داند (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۱). در این ساحت، اندیشه و کردار انسان مؤمن یکسره در خدمت اهداف الهی قرار گرفته و فرایند آن کاملاً متمایز از انتخاب‌های عقلانی ابزاری درون‌جهانی است (کرم‌الهی و مطهری فر، ۱۴۰۲: ۲۳۹).

۲-۲. ابطال نظریه «بستانکاری» و فرضیه «کسب اعتبار»

نظریه بلاو بر این اصل استوار است که «پاداش» شامل «تأیید اجتماعی، منزلت و تفاخر» نیز می‌شود (Blau, 1964: 17)؛ بنابراین، ممکن است استدلال شود که خادمان اربعین نیز در جستجوی «اعتبار اجتماعی» هستند. با این حال، داده‌های میدانی این فرضیه را ابطال می‌کنند.

درودیان (۱۳۹۷: ۶۱) به پدیده «مهمان‌نوازی رقابتی» اشاره می‌کند، اما این رقابت نه برای کسب منزلت که از روی عشق به امام حسین (علیه السلام) است. او نقل می‌کند: «پیرزنی که از لحاظ مالی هم قوی به نظر نمی‌رسید، در مسیر زائران حسینی، التماس کنان به دنبال مهمان بود تا برای پذیرایی به خانه خود بیاورد. حرف‌های وی این‌گونه بود: «هنوز زوار گیرم نیامده... زائرین! به خاطر امام حسین بیایید منزل من استراحت کنید.» این «التماس معکوس» نشان می‌دهد که میزبان خود را مدیون و نیازمند حضور مهمان می‌بیند، نه برعکس.

رمضانی تمیجانی (۱۳۹۹: ۲۲) در تحلیل «ایستار مثبت‌نگری» خادمان، نشان می‌دهد که آن‌ها خود را «خادم» می‌نامند، نه «مسئول». یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «من خادم هستم نه مسئول موکب»، «خادمی؛ لطف امام حسین (علیه السلام) به منه و نه لطف من به زائرش».

تاج‌بخش (۱۳۹۹: ۱۶۱) نیز نشان می‌دهد که زائران، پوشش یکنواخت مشکی را به‌عنوان نماد «ابراز احترام و ارادت» انتخاب می‌کنند، نه برای تفاخر یا تمایز طبقاتی.

ایمانی خوشخو و بد (۱۳۹۵: ۱۴۹) در تحلیل انگیزه‌ها، به «فاصله گرفتن از تعلقات مادی و تجملات» و «احساس رضایت از قدم برداشتن در راه درست» اشاره می‌کنند که کاملاً با «کسب اعتبار» در تضاد است.

تحلیل تطبیقی: در این محور، فرضیه بلاو مبنی بر «کسب پاداش‌های نمادین و منزلت‌خواهی» (Blau, 1964: 17) از طریق داده‌های مربوط به گمنامی‌گزینش شده ابطال می‌شود. سازوکار تعاملی خادمان در این میدان از نوع «بستانکاری یا منزلت‌خواهی» نیست، بلکه نوعی «التماس معکوس» و حس مدیون بودن به زائر است. این تواضع معکوس و گمنامی با مفهوم «تجلی من علوی» در اندیشه مطهری تبیین می‌شود؛ جایی که انسان کریم به دلیل غنا و بزرگواری درونی، بخشش و خدمت را فرصتی برای لذت معنوی می‌یابد، نه ابزاری برای تفاخر یا معامله بر سر پرستی‌ز اجتماعی (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۰۵؛ شراهی و ذوالفقارزاده کرمانی، ۱۳۹۸: ۱۲۴)

۲-۳. تلقی از رنج و هزینه: منطق «برکت» در برابر «کمیابی»

پیش‌فرض بلاو (که ریشه در اقتصاد کلاسیک دارد) «کمیابی منابع» و «محاسبه هزینه-پاداش» است. هنگامی که شخصی قدرتی بر دیگری اعمال می‌کند، هر مقدار که خود او منتفع می‌شود، دیگری باید هزینه آن را بپردازد. این امر، ضرورتاً بدین معنا نیست که روابط اجتماعی به منزله بازی‌ای است که نتیجه آن صفر است؛ بلکه بدین معناست که «افراد ذی‌نفع، گرچه از تبادل خود سود می‌برند، اما سود برابر به دست نمی‌آورند؛ زیرا در این نوع مبادله، بعضی بیشتر منتفع می‌شوند و در مقابل، برخی هزینه‌های بیشتری را متحمل می‌شوند» (محمودی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۴۶). با این حال، داده‌های میدانی یک «اقتصاد برکت‌محور» را به نمایش می‌گذارند.

رضوی‌زاده (۱۳۹۶: ۶۱۷-۶۱۶) «رنج مقدس» را به‌عنوان یکی از سه مضمون اصلی تجربه زیسته معرفی می‌کند. او نشان می‌دهد که رنج در این سفر حامل سه معناست: چشم‌داشت پاداش (اخروی)، احساس تعلق هویتی به اجتماع مذهبی با بازسازی تجربه تاریخی رنج‌آلود، و اعلام عملی باور به عقیده مذهبی. یکی از مصاحبه‌شوندگان میان سال

عقیده دارد: برای دیدن حقیقت محض روی زمین باید به امام حسین (علیه السلام) نگریست؛ این فوران عشق، باعث می‌شود هیچ کس از هیچ چیز هراسی نداشته باشد.

درودیان (۱۳۹۷: ۶۱) «هم‌ذات‌پنداری سختی مسیر» را به‌عنوان یک مؤلفه معنوی معرفی می‌کند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به چرایی نپوشیدن کفش می‌گوید: «به خاطر رنجی که آن‌ها (اهل بیت (علیهم السلام)) تحمل کردند. هیچ رنجی قابل مقایسه با آن نیست!». تاج‌بخش (۱۳۹۹: ۱۵۷) نیز نقل می‌کند: «مهدی زائر ۱۸ ساله می‌گوید: پاهام تاول زده و خیلی اذیت می‌شم... ولی اصلاً برام مهم نیست؛ چراکه این رنج باعث مغفرت گناهان و برآورده شدن حاجات می‌شود.»

بنی‌اسد (۱۳۹۸: ۲۸) در قوم‌نگاری خود با اشاره به حضور معلولان و سالمندان در مسیر سؤال می‌کند: «دلیل این همه تحمل سختی و زحمت چیست؟ پاسخ همه یک چیز بود: عشق به حسین علیه‌السلام». رضانی تمیجانی (۱۳۹۹: ۱۶) نیز «آموزه برکت» را به‌عنوان یک انگاره محوری معرفی می‌کند: «با حضور مهمان امام حسین (علیه السلام)، خانه پربرکت خواهد شد» و «وسعت شعائر سبب افزایش برکت آن شده و اثرگذاری‌اش را بیشتر خواهد کرد.»

تحلیل تطبیقی: تضاد بنیادین در این بخش، میان مفروضه «کمیابی منابع و محاسبه هزینه-پاداش» در اقتصاد کلاسیک با «منطق برکت» در اندیشه اسلامی است. در حالی که الگوی مبادله، کنش‌های ارادی را منوط به بازگشتی مادی یا نمادین می‌داند که انتظار می‌رود از جانب دیگران ارائه شود (احمدی رکن‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۴)، داده‌های تجربی نشان می‌دهند رنج جسمانی در این میدان به یک «رنج مقدس و هویت‌ساز» تبدیل شده است. بر اساس الهیات مطهری، انفاق مادی در راه خدا نه مایه استهلاک ثروت، بلکه باعث تزکیه نفس، استحکام پیوندهای اجتماعی و سرمایه‌گذاری برای ربح اخروی و تکاثر معنوی در تعامل با پروردگار است (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۲؛ کرم‌الهی و مطهری‌فر، ۱۴۰۲: ۲۲۹).

۴-۲. ساختار قدرت: «سیادت در خدمت» به جای «سلطه مبادله‌ای»

الگوی چهارمرحله‌ای بلاو (به‌ویژه مرحله «تمایز مقام») پیش‌بینی می‌کند که «کسانی که منابع بیشتری برای عرضه دارند، به جایگاه فرادست می‌رسند» در فرایند شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی از دیدگاه بلاو، چهار گام متوالی وجود دارد که گام دوم آن «تمایز در منزلت و قدرت» است (ریترز، ۱۳۸۴: ۴۳۵)؛ اما یافته‌های میدانی، الگویی کاملاً معکوس از قدرت را به نمایش می‌گذارد.

درودیان (۱۳۹۷: ۶۰) مفهوم «امنیت در عین ناامنی» را مطرح می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه «ناامنی بیشتر با حس نزدیکی و صمیمیت بیشتر با امام حسین (علیه السلام) همراه است». یک زائر عراقی در این پژوهش می‌گوید: «در زمان عباسیان مچ زائران را قطع می‌کردند و در دوران بعث شکنجه می‌کردند، اما مردم باز هم پیاده می‌آمدند؛ آیا این تداوم پدیده یک معجزه نیست؟» (درودیان، ۱۳۹۷: ۶۰). این گزارش نشان می‌دهد که قدرت سیاسی و سرکوبگر در مقابل عشق به امام حسین (علیه السلام) بی‌اعتبار می‌شود و «سلطه» وارونه می‌گردد.

رمضانی تمیجانی (۱۳۹۹: ۲۲-۲۳) در تحلیل «ایماژ از خود» خادمان، نشان می‌دهد که آن‌ها خود را «نالایق خدمت» می‌بینند. یکی از گزاره‌های کلیدی: «من لایق خدمت به زوار امام حسین نیستم». این «تحقیر نفس» در مقابل وجود قدسی، منزلت و ارتقا می‌یابد: «هرچه بتواند این حس حقارت را در مقابل او و هر آنچه منسوب به اوست در خود توسعه دهد و خالص کند، به کنشگر مطلوب و مناسب برای جامعه اربعین نزدیک‌تر خواهد شد». این «واژگونی سلسله‌مراتب» دقیقاً نقطه مقابل «تمایز مقام» بلاو است.

تاج‌بخش (۱۳۹۹: ۱۶۰) نیز نشان می‌دهد که در اربعین «تساوی و برابری انسان‌ها و محو نظام قشربندی» رخ می‌دهد. یکی از مصاحبه‌شوندگان (۱۹ ساله) می‌گوید: «عشق میزبانان عراقی که بدون شناخت قبلی و علی‌رغم وضعیت مالی ضعیف، به عشق امام حسین (علیه السلام) از جان مایه می‌گذاشتند، بسیار لذت‌بخش بود.»

تحلیل تطبیقی: تقابل اصلی در این لایه، بر سر سازوکار تولید منزلت و ساختار قدرت است. در فرایند چهار مرحله‌ای بلاو، گام دوم منوط به «تمایز در مقام و قدرت» از طریق انباشت منابع برتر و عرضه بیشتر پاداش‌هاست که متضمن سلطه، تعارض ساختاری و مقاومت فرودستان است. مرتضوی امامی و جمال (۱۴۰۰: ۳۶۷)؛ اما داده‌های تجربی اربعین، مدلی کاملاً معکوس را به نمایش می‌گذارند که در آن اقتدار اجتماعی نه از مسیر انباشت منابع، بلکه از طریق مصرف منابع در اوج تواضع پدید می‌آیند. این پدیده، بر مبنای اندیشه شهید مطهری پیرامون «منطق حماسه» و سازوکار «سیادت در خدمت» تبیین می‌شود؛ الگویی که در آن اقتدار واقعی در خادم‌ترین مردم بودن تشخص می‌یابد و سلسله‌مراتب صلب به نفع برابری قدسی و محو نظام قشربندی واژگون می‌گردد (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۲۰).

۲-۵. بر ساخت «دیگری» مقدس و جهت‌گیری کنش

یکی از ابعاد مهم، «مخاطب» کنش ایثارگرانه است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که خادم و زائر اربعین، «خدمت» و «کنش» خود را نه برای یک «انسان معمولی»، که برای «امام حسین (علیه السلام)» و «خداوند» (به عنوان «دیگری مقدس») انجام می‌دهند.

درودیان (۱۳۹۷: ۶۲) مفهوم «عشق دوطرفه میزبان و میهمان به امام حسین (علیه السلام)» را معرفی می‌کند و می‌نویسد: «آنچه تنها عنصر شکل‌گیری این حس و حال متمایز با سایر اماکن مقدس است، وجود حس عشق و عبادت دوطرفه میهمان‌ها و میزبان‌ها به حسین است». یک زائر مسلمان انگلیسی‌زبان ۴۰ ساله در این پژوهش می‌گوید: «من سال‌هاست به اماکن مقدسه گوناگون سفر کرده‌ام، اما تجلی معنوی ویژه‌ای را در اینجا ادراک می‌کنم که حتی در مکه نیز تجربه نکرده‌ام.»

رمضانی تمیجانی (۱۳۹۹: ۱۷) «رویکرد قدسی‌ساز» را به عنوان یکی از رویکردهای اصلی معرفی می‌کند: «توسعه قدسیت از وجود مقدس امام حسین (علیه السلام) به زیارت بارگاه ایشان و لوازم و حواشی آن و همچنین کنشگران فعال در نسبت با آن». زائری (۴۰ ساله) نقل می‌کند: «بنا نیست ضریح رو زیارت کنیم. تو اربعین خود پیاده روی زیارتی». تاج‌بخش (۱۳۹۹:

۱۶۳) نیز نشان می‌دهد که زائران جوان، هدف نهایی خود را «زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)» و «شفاعت امام حسین (علیه السلام) در روز قیامت» می‌دانند.

رضوی‌زاده (۱۳۹۶: ۶۰۹) به آموزه‌های دینی اشاره می‌کند که «عنایت ویژه خداوند» عامل چنین سفری دانسته می‌شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان (۴۰-۵۰ ساله، روحانی) می‌گوید: «در حج، شرط وجوب استطاعت است، اما در این مسیر تاکید می‌شود که حتی در صورت فقدان امنیت نیز حرکت کنید؛ این امر واجد سیری الهی است.»

تحلیل تطبیقی: گره تحلیلی این لایه، به غایت‌شناسی و مخاطب هدف در کنشگری بازمی‌گردد. نظریه مبادله به دلیل ابتننا بر تحلیل فرایندهای رویارویی رو در روی افراد، اساساً فاقد ابزار مفهومی برای تحلیل تعاملاتی است که مخاطب نهایی آن‌ها یک پدیده ماورایی یا «دیگری متعالی» است (احمدی رکن‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۸)؛ اما در پارادایم مطهری، نیت و جهت‌گیری الهی، بخش جدایی‌ناپذیر و مقوم عقلانیت کنش است؛ بر این مبنا، اعمالی که به ساحت روحانی جامعه آسیب می‌زنند یا سلطه مادی را تشدید می‌کنند، حذف می‌شوند و در مقابل، کنش‌های ایثارگرانه ذیل منطق «تجارت با خدا» واجد عقلانیتی الهیاتی و غایتی فرامادی می‌گردند (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۷: ۳۵؛ کرم‌الهی و مطهری، ۱۴۰۲: ۲۴۳).

۲-۶. زمان و مکان مقدس: تحلیل ساختاری کنش

عامل مهم دیگر، «ظرف زمانی و مکانی» کنش است. اربعین در یک «زمان مقدس» و در یک «مسیر مقدس» رخ می‌دهد. داده‌های میدانی نشان می‌دهد که این «ظرف قدسی» نقشی تعیین‌کننده دارد.

رضوی‌زاده (۱۳۹۶: ۶۱۸) نشان می‌دهد که «تقدس از حرم ائمه به مسیر پیاده‌روی تعمیم داده می‌شود.» یکی از مصاحبه‌شوندگان (۴۰-۵۰ ساله، روحانی) می‌گوید: «این مسیر بهترین جاست و کل آن حکم بین‌الحرمین را دارد؛ در این بستر قدسی، واقعه تاریخی کربلا برای انسان مجسم می‌شود.»

تاج‌بخش (۱۳۹۹: ۱۶۳) نیز نشان می‌دهد که «برای برخی از زائران ایرانی، این مسیر به‌عنوان مکان مقدسی تبدیل شده است. تکرار هر ساله مناسک، به تقویت احساس حضور امر قدسی در این مکان منجر می‌شود.» درودیان (۱۳۹۷: ۵۶) اربعین را یک «پدیدهٔ هولوگرافیک» می‌نامد که «از هر زاویه به آن نگاه شود، جلوه‌های خاص از معنویت را در خود دارد.»

بنی‌اسد (۱۳۹۸: ۲۰-۲۱) در قوم‌نگاری خود، به تفصیل فضای «آستانه‌ای» مسیر را توصیف می‌کند: «در طول مسیر، نوشته‌های روی ماشین (مسافر کربلا)، نمادها و پرچم‌های روی خودروها، خود فرهنگی است که بیانگر این بود که این‌ها راهیان کربلا هستند و تقریباً نگاه مردم نسبت به آن‌ها بسیار متفاوت بود.» او همچنین به موبک‌هایی اشاره می‌کند که در داخل ایران (قم، اراک، بروجرد، خرم‌آباد) برپا شده بودند و «با عشق از زائرین پذیرایی می‌کردند.»

تحلیل تطبیقی: تضاد ساختاری در این محور، معطوف به ظرف زمانی و مکانی کنش است. عقلانیت رسمی و ابزاری مد نظر در مدل‌های مبادله، مستلزم محاسبه‌گری دایمی کارگزار در بستر زمان و مکان عرفی، روزمره و مادی است (Blau, 1964). در نقطه مقابل، شواهد میدانی نشان می‌دهند که گسست از روزمرگی و ورود به فضای آستانه‌ای مسیر، ظرف فیزیکی حرکت را کاملاً قدسی و مجزا می‌کند. بر پایهٔ بنیان‌های اخلاق اقتصادی مطهری، این تقدس‌بخشی به مسیر بر مبنای حسن ظن به خالق شکل می‌گیرد؛ سازوکاری که ترجیحات کارگزار را تغییر داده و الگویی از رفتار جمعی را پدید می‌آورد که از آسیب‌های صلب، مادی و بوروکراتیک نظام‌های سرمایه‌داری کاملاً عاری است (کرم‌الهی و مطهری‌فر، ۱۴۰۲: ۲۲۹).

۷-۲. دیالکتیک عقل و عشق در کنش اربعینی

آخرین لایهٔ تحلیل، به بررسی نسبت «عقل» و «عشق» اختصاص دارد. داده‌ها نشان می‌دهد که کنشگران اربعین، «عشق» را نه در مقابل «عقل» که در امتزاج با آن می‌بینند. ایمانی خوشخو و بد (۱۳۹۵: ۱۴۹) نشان می‌دهد که «احساسات درونی» به‌عنوان یکی

از دو دسته اصلی انگیزه شامل ۹ مؤلفه است: به دست آوردن احساس سبکی و راحتی، فیض معنوی، فاصله گرفتن از تعلقات مادی، احساس رضایت از قدم برداشتن در راه درست، فراموشی مصائب مادی، رهایی از سردرگمی، ارتباط با ملکوت، شناخت خداوند، نزدیکی به خداوند. این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که «عشق» و «احساس» در اینجا نه یک «انگیزه غیرعقلانی» که یک «جهان‌بینی» و «نظام معنایی» است.

درودیان (۱۳۹۷: ۶۲) «تجربه عشقی داوطلبانه» را به عنوان یکی از مؤلفه‌های درک معنوی معرفی می‌کند. یکی از مصاحبه‌شوندگان جوان ایرانی از ورامین می‌گوید: «من در موطن خود با طی مسافت‌های کوتاه خسته می‌شوم، اما جاذبه معنوی این مسیر چنان کششی ایجاد می‌کند که فقط تمایل به حرکت دارم». زائر جوان سوری اذعان دارد: «شوق رسیدن به امام (علیه السلام) باعث فراموشی مخاطرات محیطی و انفجارها می‌شود؛ در آستانه ورود به کربلا، جاذبه و نوری معنوی انسان را به سمت خود کدهای مغناطیسی جذب می‌کند.»

رضوانی تمیجانی (۱۳۹۹: ۱۹) «رویکرد عاطفه‌محور» را به عنوان یکی از رویکردهای اصلی معرفی می‌کند: «بدون وجود عامل دلدادگی به وجود امام حسین (علیه السلام) این حجم مشارکت فعال با سطح درگیری بالا ممکن نبود». تاج‌بخش (۱۳۹۹: ۱۵۴) نیز «احساس اتصال و نزدیکی با امام حسین (علیه السلام) و «احساس تحول و دگرگونی و سبکبالی» را به عنوان مضامین اصلی تجربه جوانان گزارش می‌دهد.

تحلیل تطبیقی: لایه غایی تقابل پارادایمیک، منبعث از دوگانه کاذب «عقل و احساس» در نظریه‌های کلاسیک علوم اجتماعی است. الگوی مبادله به دلیل تقلیل انسان به موجودی محاسبه‌گر، هرگونه کنش برخاسته از دلدادگی را رفتاری غیرعقلانی تلقی می‌کند و اینجاست که محدودیت تعریف اقتصادی و محاسبه‌گرانه از انسان آشکار می‌شود (احمدلو، ۱۳۹۴: ۱۴). با این حال، تجارب زیسته کنشگران نشان‌دهنده امتزاج کامل شور و شعور در قالب یک نظام معنایی منسجم است. مطهری با طرح مفهوم «عقل حماسی» یا عقل متصل به عشق، این دوگانه را مرتفع می‌سازد؛ از این منظر، فوران عاطفه در پیاده‌روی، نه

یک احساس کور، بلکه یک جهش عقلانی توأم با بینش تاریخی و معرفتی برای دستیابی به آرمان‌های متعالی و بهجت روحی است (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۲۰).

جدول ۳. سنتز تحلیلی یافته‌ها؛ تقابل پارادایمیک در میدان کنشگری اربعین

مؤلفه تحلیلی	رویکرد مبادله‌ای (پیتیر بلاو)	شواهد برآمده از میدان اربعین	رویکرد جایگزین (شهید مطهری)
محرك و انگیزه کنش	اقدام داوطلبانه با انگیزه دریافت بازده، پاداش و محاسبه هزینه فایده	غلبه حس طلبیدگی، توفیق الهی و ادای دین	منطق تکلیف: کنش به مثابه رزق الهی و راهی به آزادی معنوی
جایگاه اجتماعی و اعتبار	جست‌وجوی منزلت، تفاخر و تأیید اجتماعی (پاداش‌های نمادین)	گمنامی، تواضع، امتناع از پذیرش عنوان «مسئول» و التماس برای خدمت	استغنائی معنوی: احیای کرامت نفس و بی‌نیازی در پرتو بخشش
نگرش به هزینه و رنج	تلقی هزینه به عنوان امری منفی، غیرعقلانی و قابل اجتناب	پذیرش داوطلبانه سختی‌ها، رنج مقدس و شوق آور در مسیر	اقتصاد برکت: انفاق و رنج به مثابه ابزار تعالی، تزکیه و تجارت با خدا
الگوی نقش و قدرت	تمایز مقام، انباشت منابع و شکل‌گیری سلطه فرادست بر فرودست	واژگونی سلسله‌مراتب، تحقیر نفس در برابر زائر و برابری انسان‌ها	سیادت در خدمت: نفی رسالت‌های نمایشی و تحقق اقتدار در اوج تواضع و فداکاری
جهت‌گیری و غایت کنش	محدود به افق درون جهانی و مخاطب انسانی (سود این‌دنیایی)	خدمت معطوف به امام حسین (علیه السلام) و تقرب به خداوند (دیگرگویی متعالی)	عقلانیت الهیاتی: بسط مفهوم سود به ربح اخروی و توسعه قدسیت
ظرف زمان و مکان	کنش در بستر زمان و مکان عرفی، روزمره و محاسبه‌پذیر	گسست از روزمرگی، ورود به فضای آستانه‌ای و تقدس‌بخشی به مسیر	تجلی من علوی: خروج از سیطره من سفلی در پناه زمان و مکان مقدس
مبنای عقلانیت	سیطره عقل حسابگر، ابزاری و تقابل میان عقل و احساس	شور و شعور درهم‌تنیده، دلدادگی عمیق همگام با بینش تاریخی	عقل حماسی: جهش عقلانی و امتزاج کامل عقل و عشق برای آرمان‌های متعالی

تحلیل ثانویه نظام‌مند شش پژوهش میدانی نشان می‌دهد که یافته‌های تجربی برآمده از تجربه زیسته کنشگران اربعین، با پارادایم عقلانیت کرامت‌محور شهید مطهری هم‌خوانی کامل و با پارادایم مبادله‌ای پیتر بلاو (حتی با تعریف موسّع از سود) ناسازگاری بنیادین دارد.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کلان‌رویداد اربعین، با فراهم آوردن بستری عینی برای مشاهده تعاملات جمعی غیربازاری، یک موقعیت پژوهشی منحصر به فرد را برای سنجش و مواجهه تجربی میان دو فرضیه رقیب، یعنی «عقلانیت مبادله‌ای» پیتر بلاو و «عقلانیت کرامت‌محور» شهید مرتضی مطهری فراهم آورده است. یافته‌های حاصل از تحلیل ثانویه و روش‌مند شش مطالعه میدانی مرجع نشان می‌دهد که پیش‌فرض‌های بنیادین نظریه مبادله اجتماعی، حتی در نسخه‌های موسّع آن که بر پاداش‌های غیرمادی، روانی و منزلت‌خواهی تأکید دارد، در مواجهه با تجربه زیسته خادمان و زائران با محدودیت‌های تبیینی جدی روبه‌رو می‌شود؛ چراکه در این میدان، انگیزه‌هایی چون خدمت بی‌چشم‌داشت، گمنامی داوطلبانه، و پدیده رنج مقدس با منطق محاسبه هزینه-فایده یا تمایز مقام بر اساس عرضه منابع سازگار نیست. در نقطه مقابل، چهار چوب مفهومی برآمده از تفکر الهیاتی-اجتماعی شهید مطهری که در آن مفاهیمی چون تکلیف‌گرایی قدسی، استغنا، معنوی، اقتصاد برکت، و سیادت در خدمت جایگاهی محوری دارند، توانسته است انسجام درونی یافته‌های پراکنده میدانی را در قالب یک نظام معنایی واحد و عقلانی بازسازی کند و نشان دهد که این کنشگری‌ها، رفتارهایی احساسی و توده‌وار نیستند، بلکه برخاسته از سنخ دیگری از عقلانیت با عنوان عقلانیت کرامت‌محورند که در آن گستره سود از افق مادی به ربح اخروی بسط یافته و عقل با شور عاطفی در قالب «عقل حماسی» درهم‌تنیده شده است.

دلالت‌های نظری و تجربی حاصل از این تحلیل مضمون فراتئوریک، دستاوردهای مشخصی را به همراه دارد که کل مقاله را به یک انسجام ساختاری می‌رساند. یافته‌های این پژوهش که مبتنی بر تحلیل داده‌های خرد و تجربه زیسته کارگزاران پدیده اربعین

است، ادعایی مبنی بر تبیین ساختارهای کلان‌نهادی یا ساختارسازی تمدنی مطلق ندارد؛ اما ارزش روش‌شناختی این یافته‌های خرد در آن است که با ارائه یک الگوی مفهومی پیشنهادی، نشان می‌دهد نظریه‌های خرد و میان‌برد جامعه‌شناسی غربی (مانند مبادله اجتماعی) حتی با توسعه مفاهیم پاداش، در تبیین تمام‌عیار انگیزه‌های پدیده‌های جمعی دینی با محدودیت مواجه‌اند و رجوع به ظرفیت‌های نظری بومی می‌تواند پنجره‌های تحلیلی جدیدی را به روی جامعه‌شناسی دین بگشاید. از منظر تجربی و عینی نیز، سنتز کدهای استخراج‌شده آشکار می‌سازد که چگونه یک نظام اخلاقی پدیدار شده در یک کلان‌رویداد مذهبی، قادر است مفاهیمی چون سود، هزینه، قدرت و رنج را در ذهن کارگزاران خود دگرگون ساخته و الگویی از نظم اجتماعی داوطلبانه را بر پایه هنجارهای اعتماد متقابل، نفی قشربندی‌های طبقاتی، و تواضع معکوس صورت‌بندی کند که در آن چرخش منابع، نه بر اساس منطق انباشت فردی یا تفاخر نمادین، بلکه کاملاً معطوف به خیر جمعی و پیوند با امر قدسی جریان می‌یابد.

منابع و مآخذ

- احمدلو، حبیب. (۱۳۹۴). «جایگاه مفهوم ارزش در نظریه مبادله اجتماعی: بررسی آرای هومنز و بالو». در **چهارمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و جامعه‌شناسی**. تهران: مرکز همایش‌های پژوهشگاه نیرو.
- احمدی رکن‌آبادی، علیرضا؛ توکلی کافی‌آباد، عزیزالله و صادق‌زاده، محمود. (۱۳۹۷). «بررسی قصاید سنایی بر اساس نظریه تبدلی پیتر بلاو». **جستارنامه ادبیات تطبیقی**. ۲(۲). صص: ۱۱۶-۱۳۹.
- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ مرتضوی امامی، سیدعلی. (۱۳۹۶). «تطبیق نظریه مبادله پیتر بلاو و چهارده سال سیاست نافرجام کارگزاران پهلوی در ایران». **مطالعات حقوق شهری و ندی**. شماره ۴. صص: ۳۸۵-۳۹۵.
- ایمانی خوشخو، محمدحسین؛ بد، مهدیه. (۱۳۹۵). «گونه‌شناسی زائران کربلا بر اساس هدف و انگیزه از سفر (مطالعه موردی: پیاده‌روی اربعین)». **گردشگری و توسعه**. ۹(۵). صص: ۱۳۷-۱۵۵.
- بنی‌اسد، رضا. (۱۳۹۸). «قوم‌نگاری فرهنگ پیاده‌روی اربعین حسینی علیه‌السلام: تحلیل‌ها و راهبردهای تصمیم‌گیری در نهادهای انقلاب اسلامی». **دین و ارتباطات**. ۱۱(۲۶). صص: ۴۱-۹۱.
- پویافرو، محمدرضا. (۱۳۹۹). «خیر ایرانی - خیر عراقی: مقایسه الگوی فعالیت‌های خیر دینی در آیین پیاده‌روی اربعین». **راهبرد فرهنگ**. ۱۳(۵۲). صص: ۳۷-۷۲.
- تاج‌بخش، غلامرضا. (۱۳۹۹). «پیاده‌روی اربعین و معنایابی کنش زیارت زائران جوان». **تحقیقات فرهنگی ایران**. ۱۳(۲). صص: ۱۴۵-۱۶۸.
- درودیان، محمدجواد. (۱۳۹۷). «منظر معنوی رویداد پیاده‌روی اربعین حسینی». **منظر**. ۱۰(۴۵). صص: ۵۶-۶۵.
- رضوی‌زاده، ندا. (۱۳۹۶). «ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق». **مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**. ۴(۴). صص: ۵۹۵-۶۳۱.
- رمضانی تمیجانی، صدیقه. (۱۳۹۹). «بررسی ابعاد و اجزای ذهنی مشارکت جمعی در پیاده‌روی اربعین». **تحقیقات فرهنگی ایران**. ۱۳(۲). صص: ۱-۳۰.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۶). **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. مترجم: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- شراهی، اسماعیل؛ ذوالفقارزاده کرمانی، محمدمهدی. (۱۳۹۸). «واکاوی ادراک زائران از رفتار خادمان در اربعین: روایتی مردم‌شناختی از پدیده عظیم پیاده‌روی اربعین». **دین و ارتباطات**. ۱۱(۲۶). صص: ۱۱۵-۱۴۸.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). **تفسیر المیزان**. جلد ۲. مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۸). «ماکس وبر و عقلانیت مدرن». **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**. (پیاپی ۳۶۰). صص: ۷-۸.
- ۱۳۳-۱۰۰
- غفاری هاشجین، زاهد؛ آقایی، محمد. (۱۳۹۷). «پیاده‌روی اربعین حسینی به‌مثابه جنبش اجتماعی». **دانش سیاسی**. شماره ۲۷. صص: ۲۱-۱.
- فروغی، یاسر؛ سراج‌زاده، سیدحسین؛ نبوی، سیدحسین. (۱۴۰۰). «مطالعه کیفی انگیزه‌های زائران ایرانی شرکت‌کننده در آیین پیاده‌روی زیارت اربعین». **دین و ارتباطات**. ۱۱(۲۷). صص: ۴۱۹-۴۵۰.

(کریم خان محمدی، سید محمد علی مرتضوی شاهرودی)

- کرم‌الهی، نعمت‌الله؛ مطهری‌فر، مهدی. (۱۴۰۲). «بررسی مقایسه‌ای-انتقادی بنیان‌های اخلاق اقتصادی اسلام از دیدگاه ماکس وبر و شهید مطهری». *اسلام و علوم اجتماعی*. ۱۵(۲۹). صص: ۲۲۴-۲۴۷.
- گیویان، عبدالله؛ امین، محسن. (۱۳۹۶). «محبت و هویت در آینه نمایش جهانی اربعین: مطالعه ماهیت، کارکردها و ساختار پیاده‌روی اربعین از منظر ارتباطات آیینی». *دین و ارتباطات*. ۲۴(۲). صص: ۱۶۷-۱۹۴.
- محمودی، خدیجه؛ منصوریان سرخگریه، حسین؛ پارسایی، حسین. (۱۴۰۲). «خوانش مرزبان‌نامه طبق نظریه تبادلی پیتر بلاو». *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*. ۱۵(۵۷). صص: ۱۴۰-۱۵۹.
- مرتضوی امامی، سیدعلی؛ جمالی، سارا. (۱۴۰۰). «کار بست‌تئوریک نظریه مبادله از دیدگاه پیتر بلاو و انقلاب اسلامی ایران». *مطالعات حقوق شهروندی* شماره ۲۲. صص: ۳۶۱-۳۸۶.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). *نظری به نظام اقتصادی اسلام*. تهران: انتشارات صدرا.
- _____. (۱۳۸۶). *آزادی معنوی*. تهران: انتشارات صدرا.
- _____. (۱۳۸۸). *حماسه حسینی (جلد ۱)*. تهران: انتشارات صدرا.
- _____. (۱۳۸۹). *آشنایی با قرآن (جلد ۷)*. تهران: انتشارات صدرا.

Blau, P. M. (1964). *Exchange and power in social life*. New York: John Wiley & Sons.

Bryman, A. (2016). *Social Research Methods* (5th ed.). Oxford: Oxford University Press.

Heaton, J. (2004). *Reworking Qualitative Data*. London: SAGE Publications.

The Crystallization of "Dignity-Oriented Rationality" in Religious Activism: A Comparative Study of the Views of Peter Blau and Martyr Motahari in the Context of the Arbaeen Mega-Event

Karim Khan Mohammadi ¹ Seyed Mohammad Ali Mortazavi Shahroodi ²

Received: June 01 , 2026

Revised: June 13 , 2026

Accepted: June 14 , 2026

Abstract

The Arbaeen mega-event, as a transnational phenomenon, poses profound theoretical challenges to classical sociological theories, particularly social exchange theory. This research aims to explain the paradigmatic contrast between Peter Blau's "exchange rationality" and Martyr Motahari's "dignity-oriented rationality" within the context of Arbaeen activism. The present study employs a comparative "qualitative secondary analysis." For this purpose, six selected field studies conducted through interviews and participant observation were analyzed as primary sources of raw data. The analytical strategy was "theory-driven thematic analysis." Data analysis across seven axes revealed that in the Arbaeen field, the core concepts derived from actors' lived experiences—namely "selfless service," "duty-orientation," "love for Imam Hussein (AS)," "barakah (divine blessing)," "anonymity," and "sacred suffering"—are incompatible with the fundamental assumptions of Blau's paradigm (cost-benefit calculation, expectation of reciprocal reward, status distinction, and vainglory). Conversely, they fully align with Martyr Motahari's paradigm (redefining "profit" as otherworldly reward, the logic of epic, spiritual self-sufficiency, mastery through service, and the economy of barakah). The findings indicate the predominance of "substantive rationality" and "dignity-oriented rationality" over "formal rationality" and "instrumental rationality" in Arbaeen. Five fundamental and distinctive principles of dignity-oriented rationality—"duty-orientation," "spiritual self-sufficiency," "the economy of barakah," "mastery through service," and "the transcendent other"—underscore the necessity of rethinking the foundations of Western theories in analyzing phenomena within Islamic societies.

Keywords

Arbaeen, Dignity-Oriented Rationality, Motahari, Qualitative Secondary Analysis.

1. professor of culture and communication bagher-ol-olum university(AS),Qom,Iran (Corresponding Author): khanmohammadi49@yahoo.com

2. PhD Student in Culture and Communication, Baqir al-Olum University (AS), Qom, Iran: m.shahroody90@gmail.com